

بررسی جلوه‌های زیبایی‌شناختی و کهن‌الگویی رمان «بوف کور» صادق هدایت

چکیده

کهن‌الگوها یا آرکی‌تایپ‌ها یا سرنمون‌ها، مفاهیمی ازلی -ابدی هستند که در ذهن انسان‌ها قرار دارند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. کهن‌الگوها مصادیقی مانند: عشق، مرگ، ترس، شادی، قهرمانی، فداکاری، راهبری، کینه، دشمنی و... را بیان می‌کنند. اولین بار کارل گوستاو یونگ، به اهمیت کهن‌الگوها پی‌برد و در کتاب‌هایش به آن‌ها پرداخت. کهن‌الگوها نقش مهمی در ادبیات و هنر دارند. درواقع ادبیات و هنر محملی مناسب برای بروز و ظهور و بازآفرینی کهن‌الگوهاست. این تحقیق به بررسی جلوه‌های زیبایی‌شناختی و کهن‌الگویی رمان بوف کور صادق هدایت می‌پردازد. بر اساس یافته‌های این مقاله، راوی بوف کور نماد کهن‌الگوی یک قهرمان شکست خورده است. او در وصال با آنیمای خود - زن اثیری - با ناکامی مواجه می‌شود. او همچنین در جریان تبدیل «خود» به انسان نوعی، متوجه دگرگونی خویشتن در ابعاد روحی و جسمی شده و تجربه از دست دادن نخستین «بژه عشق» او را دچار نوعی اضطراب با علائم مشخص می‌کند و این چنین می‌شود که در جذب محبت کهن‌الگوی مادر و جانشین او - عمه، ننجون - نیز ناکام می‌ماند. او داستان زندگی خود را می‌نویسد تا سایه‌اش را بشناسد و در پایان متوجه می‌شود که سایه او، همان پیرمرد خنزرنزری است. به‌طور کلی در این اثر از ۷ نماد و جلوه کهن‌الگویی استفاده شده است. روش پژوهش در این جستار، تحلیلی - توصیفی است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و تحلیل کارکرد کهن‌الگوها در داستان بوف کور صادق هدایت.
۲. بررسی زیبایی‌شناختی و کهن‌الگوهای پرکاربرد در داستان بوف کور صادق هدایت.

سوالات پژوهش:

۱. کهن‌الگوها در داستان بوف کور صادق هدایت چه نمود و جلوه‌ای دارند؟
۲. کدام کهن‌الگوها در داستان بوف کور صادق هدایت، نقش و بازتاب بیش‌تری دارند؟

کلیدواژه‌ها: صادق هدایت، بوف کور، کهن‌الگو، یونگ.

مقدمه

کهن‌الگوها یا آرکی‌تایپ‌ها، معانی ازلی-ابدی هستند که در ذهن انسان‌ها قرار دارند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و مفاهیمی مانند: عشق، مرگ، ترس، شادی، قهرمانی، فداکاری، راهبری، کینه و دشمنی و... را بیان می‌کنند. اولین بار کارل گوستاو یونگ به اهمیت کهن‌الگوها پی‌برد و در کتاب‌هایش به آن‌ها پرداخت. او پنج کهن‌الگوی اصلی را به این صورت معرفی کرد: آنیما، آنیموس، سایه، خویشتن و نقاب. یونگ نخستین بار در سال ۱۹۱۹ درونه‌های ناخودآگاه جمعی را «کهن‌الگو» خواند. «همین کهن نمونه‌ها هستند که تصاویر کهن‌نمونه‌ای را می‌سازند که از طریق اساطیر، رؤیاها، هنر و ادبیات با آن‌ها آشناییم» (روتون، ۲۸: ۱۳۸۷). پس از یونگ، دیگر روان‌شناسان به بررسی کهن‌الگوها پرداختند و بعدها انواع کهن‌الگوها را معرفی کردند. تعداد کهن‌الگوها به همان اندازه بی‌شمار است که تجربه‌های مشترک بشریت. پنج کهن‌الگویی که یونگ معرفی کرد به کهن‌الگوهای فردیت‌یابی معروف هستند؛ چنانچه فرد در مسیر شناخت این عناصر و الگوهای دیرینه ذهنی تلاش کند در پایان راه، به فردیت و حیاتی نو دست پیدا می‌کند. به جز الگوهای یونگی، کهن‌الگوهای زیاد دیگری هم هستند که کهن‌الگوی قهرمان، مهم‌ترین آن‌هاست. کهن‌الگوها نقش مهمی در ادبیات و هنر دارند. درواقع ادبیات و هنر محملی مناسب برای بروز و ظهور و بازآفرینی کهن‌الگوها هستند. پس از انتشار نظریات یونگ و براساس آرای او، نقد جدیدی در ادبیات پایه‌گذاری شد به نام نقد کهن‌الگویی. این نقد به دنبال کشف، مطالعه و بررسی کهن‌الگوهای موجود در آثار ادبی است. کهن‌الگوها در اکثر آثار ناب ادبی، حضور دارند. این تحقیق قصد دارد به بررسی کهن‌الگوها در رمان بوف کور صادق هدایت بپردازد و جلوه‌هایی از نمادهای کهن‌الگویی این اثر را مشخص کند.

هرچند که بعضی از محققین به صورت جسته و گریخته به بررسی کهن‌الگوهای آثار داستانی صادق هدایت پرداخته‌اند، اما هنوز هیچ محقق از منظر نماد شناختی به شکل جامع به بررسی و تحلیل کهن‌الگوهای داستان‌های صادق هدایت و به‌طور خاص، رمان بوف کور، نپرداخته است و اهمیت و ضرورت دارد که در تحقیقی مفصل و جامع، این اثر مهم از منظر جلوه‌های کهن‌الگویی، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. این تحقیق با بهره‌گیری از روش تحقیق کتابخانه‌ای و استفاده از فیش‌های تحقیق و برگه‌های یادداشت انجام شده است. آن‌گاه با بهره‌گیری از مدل‌های ادبیات تطبیقی و با تکیه بر نقد اسطوره‌ای و رویکرد نقد جلوه‌های کهن‌الگویی به بررسی و تحلیل جلوه‌های کهن‌الگویی بوف کور صادق هدایت پرداخته است. در پایان با بهره‌گیری از فنون تحلیل محتوا از نوع کیفی به تجزیه و تحلیل یافته‌های خود اقدام کرده و آن‌گاه به شکل توصیفی-تحلیلی و روش استقرایی به ارائه یافته‌های خود پرداخته است.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است با این حال آثار متعددی به بررسی کهن‌الگوهای داستان‌های صادق هدایت پرداخته‌اند. از جمله: سرمدی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سفر قهرمانی شخصیت در بوف کور با تکیه بر کهن‌الگوهای بیداری قهرمان درون» به بررسی

کهن‌الگویی این رمان هدایت پرداخته‌اند. آن‌ها در پایان نتیجه گرفته‌اند که: «بوف کور با حلول ۹ کهن‌الگو، روند تفرد را در پیش می‌گیرد و دیگر شخصیت‌های داستان نقش پرورش‌دهندگی را در مسیر تشرّف برای او دارند» (سرمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱). شیرازی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «نقد کهن‌الگویی داستان گجسته دژ، اثر صادق هدایت» به بررسی کهن نمونه‌های این داستان پرداخته و به این نتیجه رسیده است که: «شخصیت‌های اصلی داستان گجسته دژ در تقسیم‌بندی‌های کهن‌الگویی یونگ شامل «خود» و «آنیما» هستند. شخصیت «خشتون» همان «خود» است که وجه منفی سایه‌اش، بر او غلبه دارد و خورشید و روشنک آنیماهای مثبت او هستند» (شیرازی، ۱۳۹۶: ۱۸). حسن‌لی و نادری (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «تبارشناسی زن اثری در بوف کور صادق هدایت بر پایه کشفیات نقاره‌خانه‌ای» به بررسی کهن‌الگوی زن اثری در بوف کور پرداخته‌اند و در پایان نتیجه‌گیری کرده‌اند که: «دوشیزه اثری را شاید بتوان همان نجیب‌زاده دیلمی دانست که در تخیل بارور هدایت، لحظه‌ای جان گرفته، به راه افتاده است و این عکس برگردان پروین، دختر ساسان است که در قالب یک دوشیزه دیلمی یا سلجوقی تناسخ یافته است» (حسن‌لی و نادری، ۱۳۹۷: ۵۷).

نتیجه‌گیری

بوف کور، یکی از شاهکارهای داستان نویسی معاصر ایران است. این داستان سرشار از جلوه‌ها و نمادهای کهن‌الگویی است. بوف کور هدایت، بن مایه‌های روانشناسانه دارد و از آنجا که یک داستان سوررئال است، کهن‌الگوهای بسیاری دارد. در بیشتر داستان‌های صادق هدایت، نمادهای کهن‌الگویی در بستری از تقابل عشق و نفرت شکل گرفته و ظهور و بروز کرده‌اند. این کهن‌الگوها در دو زیرساخت عشق و نفرت پایه‌ریزی شده‌اند. جلوه‌های کهن‌الگویی داستان بوف کور هدایت بر مبنای عشق هستند، کهن‌الگوهایی مانند: آنیما، زن اثری، مادر، آنیموس و قهرمان. این کهن‌الگوها در واقع با هم همپوشانی دارند و همه در یک جهت هستند، یعنی کهن‌الگوهای آنیما، زن اثری و مادر در واقع یک کهن‌الگوی مشترک و مشابه برای چهره مثبت زن هستند و کهن‌الگوهای آنیموس و قهرمان نیز، یک کهن‌الگوی مشترک و مشابه برای چهره مثبت مرد هستند.

برای صادق هدایت و شخصیت‌های اصلی داستان‌هایش، زن موجودی آرمانی و پاک است که نباید هیچ خصلت بد و ناشایستی داشته باشد. از این زن آرمانی و پاک تحت عنوان؛ «زن اثری» نام برده می‌شود. تمام شخصیت‌های مرد داستان‌های هدایت وقتی عاشق زنی می‌شوند در واقع عاشق این نمونه ازل و ابدی زن یا همان زن اثری می‌شوند و البته همه آن‌ها هم در راه وصال با این زن اثری یا آنیمای آرمانی شکست می‌خورند چون، این نمونه کهن‌الگویی آرمانی در عالم واقعیت پیدا نمی‌شود و فقط در ذهن آن‌ها وجود دارد. آن دسته از جلوه‌های کهن‌الگویی داستان بوف کور هدایت نیز که بر مبنای نفرت شکل گرفته‌اند، کهن‌الگوهایی مانند: لکاته، زن اغواگر، سایه، نقاب و خنزرنزر، هستند. این کهن‌الگوها نیز با هم همپوشانی و اشتراک دارند؛ یعنی کهن‌الگوهای لکاته و زن اغواگر یک کهن‌الگوی

مشترک و مشابه برای چهره منفی زن هستند و کهن‌الگوهای خنزر پنزر، سایه و نقاب یک کهن‌الگوی مشترک و مشابه برای چهره منفی مرد هستند.

در بوف‌کور، راوی در جریان تبدیل «خود» به انسان نوعی (پیرمرد خنزرپنزی) متوجه می‌شود که هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روحی در معرض دگرگونی قرار گرفته است. تجربه محرومیت از مادر برای راوی در کودکی و از دست دادن نخستین «بژۀ عشق»، چیزی کمتر از تهدید به مرگ و ترس از نابودی نیست. بنابراین اضطراب او به داغی تن و سرفه‌های ترسناک منتج می‌شود. در فقدان مادر، او سعی می‌کند عمه یا ننجون را جانشین مادر کند، تا با این جانشین‌سازی، دوران دردناک جدایی از مادر را فراموش کند، اما موفق نمی‌شود. راوی بوف‌کور، جلوه‌ای از نماد کهن‌الگوی قهرمان است، اما قهرمانی شکست‌خورده. او جوانمردی است که در سفر قهرمانی خود ناکام مانده و با این که از نظر جسمی نمی‌میرد، اما از نظر روحی مرده و در هیأت پیرمرد خنزرپنزی استحاله و مسخ شده است.

فهرست منابع و مآخذ

- براهنی، رضا. (۱۳۹۳). تاریخ مذكر. تهران: نگاه.
- پاینده، حسین. (۱۳۹۷). نظریه و نقد ادبی. ج ۱. تهران: سمت.
- تسلیمی، علی. (۱۳۸۸). گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران. داستان. تهران: کتاب آمه.
- تسلیمی، علی. (۱۳۹۵). نقد ادبی. چاپ سوم، تهران: اختران.
- حسنلی، کاووس؛ نادری، سیامک. (۱۳۹۷). «تبارشناسی زن اثری در بوف‌کور صادق هدایت بر پایه کشفیات نقاره‌خانه شهر ری». متن پژوهی ادبی بهار. ۵۷. ۶۰ - ۴۱.
- روتون، کنت لونز. (۱۳۸۷). اسطوره. ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور. چاپ چهارم. تهران: مرکز.
- ستاری، جلال. (۱۳۹۲). بازتاب اسطوره در بوف‌کور. چاپ دوم. تهران: توس.
- سرمدی، مجید؛ گرجی، مصطفی؛ کوپا، فاطمه؛ صفارنیا، مجید و مظفری، سولماز. (۱۳۹۲). «بررسی سفر قهرمانی شخصیت در بوف‌کور با تکیه بر کهن‌الگوهای بیداری قهرمان درون». دو فصلنامه مطالعات داستانی. ۲(۱). ۶۷ - ۵۱.
- شیرازی، ماه منیر. (۱۳۹۶). «نقد کهن‌الگویی داستان گجسته دژ اثر صادق هدایت». مجموعه مقالات اولین همایش ملی نقد متون و کتب علوم انسانی. ۱(۲). صص ۱۸ - ۳.
- شولتز، دوان. (۱۳۸۳). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: سعید محمدی. چاپ پنجم. تهران: ویرایش.

- صنعتی، محمد. (۱۳۹۴). صادق هدایت و هراس از مرگ. چاپ ششم، تهران: مرکز.
- فرودهام، فرویدا. (۱۳۶۴). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی یونگ. ترجمه: مسعود میربها. تهران: اشرفی.
- فون فرانتس، ماری لوییز. (۱۳۸۷). سایه و شر در افسانه‌ها. ترجمه: تورج رضا بنی صدر. تهران: لیوسا.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۸۸). صادق هدایت و مرگ نویسنده. چاپ پنجم، تهران: مرکز.
- کمپیل، جوزف. (۱۳۸۱). قهرمان هزار چهره. ترجمه: صالح نجفی. تهران: مرکز.
- گورین، ال. (۱۳۷۰). راهنمای رویکردهای نقد ادبی. ترجمه: زهرا میهن خواه. تهران: اطلاعات.
- میرصادقی، جلال. (۱۳۸۲). داستان نویس‌های نام‌آور معاصر ایران. تهران: اشاره.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۷). صد سال داستان‌نویسی. چاپ پنجم، تهران: چشمه.
- میس، کارولین. (۱۳۹۴). گالری کهن‌الگوها. ترجمه: سیمین موحد. تهران: هیرمند.
- هدایت، صادق. (۱۳۵۴). بوف کور. چاپ سوم، تهران: جاویدان.
- یاوری، حورا. (۱۳۷۴). روان‌کاوی و ادبیات. تهران: نشر تاریخ.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۵۹). انسان و سمبول‌هایش. ترجمه: پروین فرامرزی. مشهد: آستان قدس رضوی.